به مناسبت هفتم ذی‌الحجه سالروز شهادت امام پنجم هدایت

آثار خدمت به دیگران از نظر امام باقر(ع)

■ علی صادق‌زاده

کار خوب را همه دوست دارند و می‌پسندند؛ زیرا گرایش فطری انسان به کار خیر و گریختن از کار بد است؛ اما گاهی از آثار و برکات کار خوب می تواند انگیزه را در شـــخص بیفزاید و او را به انجام بیشتر و بهتر کار نیک تشویق کند. نویسنده در این مطلب با مراجعه به آموزه‌های حیات‌بخش امام باقر(ع) برخی از آثار کار نیک و عمل صالح نسبت به دیگران را تبیین کرده است.

کار نیک شخصی و اجتماعی

کار نیک و عمل صالح را می‌توان به دو دسته شخصی و اجتماعی تقسیم کرد، همان‌طوری که کار بد بر دو نوع شخصی و اجتماعی تقسیم می‌شود. به عنوان نمونه بر اساس آموزه‌های قرآنی، عدالت و ظلم می‌تواند شخصی یا اجتماعی باشد. خداوند بارها از ظلم به خویشتن سخن به میان آورده و گفته است که برخی از مردم به خویشان خویش ظلم می‌کنند(بقره، آیات ۵۷ و ۲۸۲؛ نحل،آیـــه ۳۳؛ یونس آیات ۴۴ و ۱۱۸) چنانکه شـــرک‌ورزی نســـبت به خدا، به عنوان ظلم به خویشتن معرفی شده است(لقمان، آیه ۱۳)؛ زیرا شرک آدمی همانند عبادت وی، به خود وی بازمی‌گردد و هیچ سود یا زیانی به خدا نمی‌رساند. همان‌طوری که عبادت خدا موجب می‌شود تا آدمی به تقوا برسد و خودش را از غضب الهی در امان نگه دارد و از آثاری چون رســـیدن به علم و یقین شهودی و حضوری بهره‌مند شود(بقره، آیه ۲۸۲)؛ کفر و شرک وی نسبت به خدا نیز موجب می‌شود تا از بسیاری از امور چون علم و یقین شهودی محروم شود و از برکات الهی در ابعاد مادی و معنوی و دنیوی و اخروی بی‌بهره بماند.(اعراف، آیه ۹۶)

از نظر قرآن هر کســـی که کار بد و زشـــت را حتی نسبت به دیگران انجام می‌دهد اول به خودش آسیب می‌رساند؛ از این رو، باید توجه داشت که آثار کار زشـــت و بد ما نســـبت به دیگران پیش از دیگران به خودمان بازمی‌گردد و ما هســـتیم که ضرر و زیان خواهیم کرد. امام محمدباقر(ع) در این باره فرموده است: هر کس کار خیر و خوبی انجام دهد، در حقیقت برای خود کرده است.(تحف‌العقول، ص ۲۹۹؛ معانی‌الاخبار، ص ۱۴۱، باب معنی المکافاه و الشکر، ح ۱. خصال شیخ صدوق، ص ۲۵۸، ح ۱۳۲ همین حدیث را امام باقر از امیر مومنان(ع) نقل کرده است).

انسان اگر کار خیری انجام می‌دهد باید بدون منت و اذیت و آزار باشد و همواره نیت خیر در کارش وجود داشته باشد. و همچنین مستمر و مداوم به این کارهای خیر بپردازد نه اینکه کارهای سنگینی را انجام دهد و سپس دیگر آن را تکرار نکند. کار خیر باید هر روزه انجام شود تا از حالت به ملکه و ســـپس مقام درآید و هویت و ماهیت شـــخص شود. از این رو در آیات و روایات بر استقامت و پایداری در کار خیر تاکید می‌شود و اینکه این کارهای خیر همیشه باید باشد.

امام باقر(ع) در این باره می‌فرماید: «ما من شیء احب الی الله عز و جل مـــن عمل یداوم علیه و ان قل؛ هیـــچ چیز نزد خداوند محبوب‌تر از کاری نیست که بر آن مداومت شود، هر چند اندک باشد». (الکافی، ج ۲، ص ۸۲) انســـان باید خودش را به کار نیک اجتماعی و خیررسانی عادت دهد. امام باقر(ع) می‌فرماید: خود را به کار نیک عادت دهید و از اهل خیر باشید تا به همین نشانه و علامت شناخته شوید. من فرزندان و شیعیانم را به این برنامه فرمان می‌دهم. (بحارالانوار ج ۴۶ ص ۲۴۳ به نقل از خرائج راوندی)

آثار و برکات نیکی به دیگران

امام باقر(ع) برای تشویق مردم به انجام اعمال صالح و نیک و خیررسانی به دیگران به بیان آثار و برکات این اعمال می‌پردازد. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. نورانیت در قیامت: کار خیر و نیکی به دیگران در قالب عمل صالح موجب نورانیت در قیامت می‌شود. امام باقر(ع) می‌فرماید: هر کس دنیا را به جهت یکی از این سه هدف طلب کند روز قیامت در حالتی محشور می‌شود و خداوند متعال را ملاقات می‌کند که صورتش همچون ماه شب چهارده، نورانی است. بی‌نیازی از مردم، آسایش و رفاه خانواده و عائله‌اش، کمک و رسیدگی به همسایه‌اش. (وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۹)

۲. افزایش عمر: برخی از اعمال صالح در قالب نیکی به دیگران و اعمال نیک اجتماعی موجب افزایش عمر می‌شود و به عمر آدمی برکت می‌بخشد.

*** امام باقر(ع) می‌فرماید: هر کس راه هدایت و سعادتی را بگشاید و یا به دیگران تعلیم دهد، اجر و پاداش او همانند کسی است که به آن کار خیر عمل کرده باشد بدون آنکه از پاداش عمل‌کنندگان کسر شود.**

صله رحم و نیکی به خانواده از این جمله است. امام باقر(ع) می‌افزاید: من حسن بره باهله، زید فی عمره؛ هر کس با خانواده‌اش خوش‌رفتار باشد، بر عمرش افزوده می‌شود. (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۵)

۳. افزایش رزق و روزی: برخی از مردم از کمبود روزی و تنگدستی و کاهش آن می‌نالند؛ در حالی که به ســـادگی می‌توان از این امور گذشت و به رزق و روزی زیاد و برکت دست یافت. یکی از راه‌های کسب روزی و افزایش آن، نیت خیر داشـــتن در کارهایی است که انجام می‌دهد. به‌ویژه در کارهای اجتماعی و خیر رسانی به دیگران، شخص اگر نیت خیر رسانی داشته باشد و نیت خویش را پاک و سالم کند، روزی و برکت در زندگی‌اش نمایان می‌شود. امام باقر(ع) می‌فرماید: من حسنت نیته، زید فی رزقه، هر که نیتش را نیک کند، روزی‌اش افزایش می‌یابد. (همان)

۴. مزد خاص الهی و بهشت: انجام کارهای خیر برکات بسیاری دارد. انسان گاهی خیری را بدون آنکه طرف مقابل بخواهد می‌رساند و گاه دیگر حاجت و نیازی را از شخص برطرف می‌کند. کسی که در مشکلی قرار گرفته و حاجت و نیازی دارد با عنایت شما برطرف می‌شود و همین برآورده کردن حاجات دیگران موجب آثار و برکاتی در زندگی دنیوی و اخروی می‌شود که قابل قیاس با هیچ چیز دیگر نیست. امام باقر(ع) می‌فرماید: هر کس حاجتی را برای مسلمانی برآورده کند و گره از مشکلش بگشاید، خداوند متعال به او خطاب کند: ثواب و پاداش تو بر عهده من خواهد بود و غیر از بهشت به چیز دیگری راضی نمی‌شوم. (مستدرک‌الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۰۲؛ حدیث ۶)

۵. ثواب اطعام دیگران: در آیات سوره انسان بیان شده که اهل‌بیت عصمت و طهارت(ع) با آنکه روزه بودند تنها برای رضایت خداوند سه روز غذای خویش را به فقیر و مسکین و اسیر دادند. خوراندن غذا به نیازمندان کار بسیار نیکی است و حتی از دادن پول بهتر است؛ زیرا سیر کردن شکم گرسنه بسیار ثواب دارد. امام باقر(ع) درباره ثواب این عمل می‌فرماید: من اطعم مومنا،اطعمه الله من ثمار الجنه؛ هر کســـی مومنی را خوراک دهد و اطعام نماید خداوند از میوه‌های بهشـــت او را بخوراند. (محاسن برقی، ص ۳۹۳، ح ۴)

۶. کسب حسنات: انسان لازم نیست که برای انجام کار خیر کارهای سنگینی را انجام دهد؛ زیرا خیررسانی به دیگران در اشکال گوناگونی شدنی است که از جمله آسان‌ترین و بهترین کارها می‌توان به خوشرویی و لبخند در برابر دیگران اشـــاره کرد. اگر کسی با خوشرویی با دیگران مواجه شود، هم دل دیگران را به دســـت آورده و هم موجب می‌شود که برای خودش حسنه جمع کند. امام باقر(ع) می‌فرماید: تبسم الرجل فی وجه اخیه حسنهٌ؛ لبخند مرد به روی برادر دینی‌اش حسنه است. (کافی، ج ۲، ص ۱۸۸)

۷. ثواب آموزش و تعلیم: خداوند در قرآن بیان می‌کند که فلســـفه بعثت پیامبران(ع) و از جمله فلسفه اسلام و بعثت پیامبر(ص) تعلیم و تزکیه بوده اســـت.(آل عمران، آیه ۱۶۴؛ جمعه، آیه ۲) بنابراین تعلیم و آموزش دیگران و بهره‌مندی مردم از علم عالم باید بســـیار مهم و مقدس باشد. از همین رو امام باقر(ع) می‌فرماید: عالم ینتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد؛ دانشـــمندی که از عملش ســـود برند، از هفتاد هزار عابد بهتر است. (کافـــی، ج ۱، ص ۳۳) امام باقر(ع) در جایی دیگر می‌فرماید: هر کس راه هدایت و ســـعادتی را بگشـــاید و یا به دیگران تعلیم دهد، اجر و پاداش او همانند کسی است که به آن کار خیر عمل کرده باشد بدون آنکه از پاداش عمل‌کنندگان کسر شود. (وسائل‌الشیعه، ج ۱، ص ۴۳۶)

*** انسان اگر کار خیری انجام می‌دهد باید بدون منت و اذیت و آزار باشد و همواره نیت خیر در کارش وجود داشته باشد. و همچنین مستمر و مداوم به این کارهای خیر بپردازد نه اینکه کارهای سنگینی را انجام دهد و سپس دیگر آن را تکرار نکند. کار خیر باید هر روزه انجام شود تا از حالت به ملکه و سپس مقام درآید و هویت و ماهیت شخص شود.**

۸. رهایی از فقر و افزایش عمر: چنانکه گفته شد برخی از کارهای خیر اجتماعی موجب افزایش عمر می‌شـــود. همچنین در روایات است که کارهـــای خیر اجتماعی به‌ویژه در انفـــاق و کارهای خیر اقتصادی موجب افزایش عمر و رهایی از فقر می‌شود. امام باقر(ع) می‌فرماید: البر و الصدقهٌ ینفیان الفقر و یزیدان فی العمر و یدفعان عن صاحبهما سبعین میتهٌ سوء؛ کار خیـــر و صدقه، فقر را می‌برند، بر عمر می‌افزایند و هفتاد مرگ بد را از صاحب خود دور می‌کند. (ثواب‌الاعمال، ص ۱۴۱)

۹. آثـــار صله رحم: امام باقر(ع) فرمود: صله رحم نمودن (پنج فایده دارد:) موجب تزکیه اعمال و عبادات می‌شود، سبب رشد و برکت در اموال می‌گردد، بلاها، آفات و گرفتاری‌ها را دفع می‌کند، حساب (قبر و قیامت) را آسان می‌گرداند و مرگ و اجل (معلق) را به تاخیر می‌اندازد. (تحف‌العقول، ص ۲۱۸) آن حضـــرت(ع) در جایی دیگر می‌فرماید: ان اعجل الطاعه ثوابا لصله الرحم؛ نزدیکترین و ســـریع‌ترین طاعت در ثواب، پیوند با خویشان است. (تحف‌العقول، ص ۳۰۳)

۱۰. ثواب تشـــییع جنازه: حضور در اعمال اجتماعی و مشارکت با دیگران برای کارهای خیر از جمله حضور در تشـــییع جنازه و مانند آن از جمله کارهای نیک و صالح اجتماعی است که آثار و برکات بسیاری دارد که از جمله آنها ثوابی است که امام باقر(ع) در این حدیث به آن اشاره می‌کند تا مردم به انجام این‌گونه اعمال صالح اجتماعی تشویق شوند. آن حضرت(ع) می‌فرماید: هر کس جنازه‌ای را تشییع نماید و چهار جانب تابوت را بر شانه خود حمل کند، خداوند چهل گناه از گناهانش را می‌آمرزد. (وسائل‌الشیعه، ج ۳، ص ۳، ح ۱۵۳)

۱۱. خانه‌های بهشتی برای کارهای خیر اجتماعی: امام باقر(ع) با اشاره به برخی از کارهای خیر اجتماعی ثواب آن را اتاق‌ها و خانه‌هایی در بهشت دانسته و می‌فرماید: چهار خصلت در هر کس باشد خداوند خانه‌ای در بهشت برای او بنا کند. کسی که یتیمی را پناه دهد و بر ناتوانی دلسوزی کند و به پدر و مادر خود مهر ورزد و با برده و زیر دســـت خود مدارا کند. (خصال صدوق، ج ۱، ص ۲۱۱، حدیث ۴۶)

۱۲. ثواب نیک برای ارتباط اجتماعی: روابط اجتماعی موجب همدلی و همراهی می‌شـــود و انسان‌ها را به هم نزدیک می‌کند. از این رو در روایات بر این امر نیک اجتماعی تاکید می‌شـــود و با اشـــاره به ثواب مردم را بدان تشـــویق و ترغیب می‌کنند. امام باقر(ع) در این باره فرمودند: خوبی دنیا جز در پیوند با برادران و آشنایان نیست. (بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۱).

چراغ راه

سه خصلت انسان متعالی

قال الامام الباقر(ع): ثلاثه من مکارم الدنیا والاخره: ان تعفو عمن ظلمک، و تصل من قطعک، و تحلم اذا جهل علیک.

امام باقر(ع) فرمود: ســـه خوی و خصلت از اخلاق نیک دنیا و آخرت است: ۱- گذشت از کسی که به تو ظلم کرده است ۲- ارتباط و پیوند با کسی که از تو بریده و قطع ارتباط کرده است ۳- حلم و بردباری در برابر کسی که نسبت به تو نادانی و بی عقلی کرده است.[1]

۱- تحف العقول، ص ۳۰۲

حکایت خوبان

ظرفیت دریافت اسم اعظم خداوند

عمربن حنظله گفت: به امام باقر(ع) عرض کردم: من گمان می‌کنم در نزد شما مقام و منزلتی داشته باشم. حضرت فرمود: آری، همین طور است. عرض کردم: درخواستی از شما دارم که می‌خواهم برآورده سازید.

فرمود: درخواستت چیست؟ قلت: تعلمنی الاسم الاعظم، قال: وتطیقه؟ عرض کردم: اسم اعظم خداوند را به من بیاموزی، فرمود: آیا طاقت آموختن آن را داری؟ گفتـــم: آری، فرمود: به درون اتاق برو، امام نیز به دنبال من داخل شد و دست مبارک خود را به روی زمین گذاشت، ناگهان خانه تاریک شـــد و تمام بدنم از ترس به لرزه درآمد. امام(ع) فرمود: چه می‌گویی: آیا باز هم آماده آموختن اسم اعظم خدا هستی؟ عمربن حنظله گفت: خیر، آنگاه امام باقر(ع) دســـت مبارک خود را از روی زمین برداشت و خانه به حالت اول برگشت.[1]

۱- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۳۵

پرسش و پاسخ

ابزار و لوازم فتنه در قرآن

پرسش:

در قرآن مجید چه ابزار و لوازمی برای فتنه معرفی شده است؟

پاسخ:

در بخش نخســـت پاســـخ به این ســـوال به یازده مورد از ابزارها و لوازم آزمایش انســـان در قرآن مجید اشاره شد که عبارتند از: ۱- تعداد ماموران دوزخ ۲- کشتن پسران و زنده نگاه داشتن دختران توسط فرعونیان ۳و ۴- اموال و فرزندان ۵- ناقه صالح ۶- مجسمه گوساله ۷- نعمت‌های الهی ۸- فقر و غنای یکدیگر ۹- نعمت ۱۰- درخت زقوم ۱۱- نهرآب.

اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

۱۲ ـ زینت زمین (همهٔ موجودات)

«إِنّا جَعَلْنَا مَا عَلَی الأَرْضِ زِینَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ ؛ ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم تا آنها را بیازماییم.» (کهف ـ ۷)

۱۳ ـ ذبح فرزند

«إِنّ هَذَا لَهُوَ الْبَلاءُ الْمُبِین ؛ این مسلماً امتحان آشکار است.» (صافات ـ ۱۰۶)

۱۴ ـ دستورات الهی

«وَاصْنَعِ الْفُلْکَ بِأَعْیُنِنَا وَوَحْیِنَـــا وَلا تُخَاطِبْنِی فِی الّذِینَ ظَلَمُوا إِنّهُمْ مُغْرَقُون ؛ ما به نوح وحی کردیم که کشتی را در حضور ما بساز ... (آری) در این ماجرا (برای صاحبان عقل و اندیشـــه) آیات و نشانه هایی است و ما مسلماً همگان را آزمایش می کنیم.» (هود ـ ۳۷)

۱۵ ـ شر و خیر

«وَنَبْلُوکُمْ بِالشّرّ وَالْخَیْرِ فِتْنَةً ؛ و ما شما را با بدی‌ها و خوبی‌ها آزمایش می کنیم.» (أنبیاء ـ ۳۵)

در حدیثی از امام علی(ع) می‌خوانیم که امام بیمار شده بود. جمعی از برادران(یـــاران) بـــه عیادتـــش آمدند. عرض کردنـــد: کیف نجدک یا امیرالمومنین؟ قال: بالشر؛ حالتان چطور است‌ای امیرمومنان؟ فرمود: شرّ است. گفتند این سخن شایسته مثل شما نیست. قالو ما هذا کلام مثلک. امام فرمود: ان الله تعالی یقول: و نبلوکم بالشر و الخیر فتنه. فالخیر: الصحه و الشّرّ: المرض و الفقر. (تفسیر نمونه، ج۱۳، ص۴۰۵)

۱۶ ـ خلقت خدا

«وَهُوَ الّذِی خَلَقَ السّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ فِی سِتّةِ أَیّامٍ وَکَانَ عَرْشُهُ عَلَی الْمَاءِ لِیَبْلُوَکُمْ ؛ او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شُش روز [شش دوران] آفرید و عرش (حکومت) او، بر آب قرار داشت (به خاطر این آفرید) تا شما را بیازماید.» (هود ـ ۷)

۱۷ ـ عهد و پیمان

«وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللّهِ ... یَبْلُوکُمُ اللّهُ بِهِ ... ؛ خدا می‌خواهد شـــما را با این وسیله آزمایش کند.» (نحل ـ ۹۲-۹۱)

۱۸ ـ تنگی روزی

«وَأَمّـــا إِذَا مَا ابْتَلاهُ فَقَـــدَرَ عَلَیْهِ رِزْقَه ؛ و امّا هنگامی که برای امتحان روزیش را برای او تنگ می گیرد.» (فجر ـ ۱۶)

۱۹ ـ گرسنگی، ترس، نقص در اموال و انفس و ثمرات

«وَلَنَبْلُوَنّکُمْ بِشَـــیْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْـــصٍ مِنَ الأَمْوَالِ وَالأَنْفُسِ وَالثّمَرَاتِ وَبَشّرِ الصّابِرِینَ ؛ قطعاً همهٔ شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم.» (بقره ـ ۱۵۵)

سلوک عارفانه

عدم اجتماع حب دنیا و حب خداوند در یک دل

(بدان ای ســـالک طریق حق!) خداونـــد به پیامبر اکرم (ص) خطاب می‌کند: بر فرض محال اگر بنده‌ای نماز تمام آسمان‌ها و زمین را بخواند و به اندازه اهل آسمان و زمین روزه بگیرد، و مثل ملائکه غذا بخورد (غذای ملائکه چیست؟ فرشتگان از غذاهای مادی مصرف نمی‌کنند، یعنی بر فرض محال که چیزی از خوراکی و طعام دنیا اســـتفاده نکند) و عریان باشد و اصلا لباس به تن نکند (یعنی هیچ استفاده از ابزار دنیایی نداشته باشد) سپس من در دل او یک ذره از حب دنیای ریشه‌دار ببینم، و ببینم که در دلش از ریاست طلبی، شهرت طلبی، زیور و زینت‌های دنیوی و ... ذره‌ای در دل او وجود دارد، به هیچ وجه به قرب من نمی‌رسد، و اگر ذره‌ای هم به من محبت عرضی داشته باشد، آن را هم نابود می‌کنم.

چون محبت ذاتی این دل، وابسته به جای دیگر است و به مرور زمان محبت تبعی را تغییر می‌دهد.

چنین شخصی به قرب من نخواهد رسید، چون من را دوست ندارد! محال است که دو حب ریشه‌دار در یک دل قرار گیرد. یک دل و دو هدف متضاد نمی‌توان داشـــت، مگر می‌شود کسی دنیا را بخواهد و خدا را هم دوست داشته باشد؟ (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۰)[1]

۱- رسائل بندگی، آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی، ص ۲۱۵

صفحه معارف روزهای: یک‌شنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱

کمال انسان در چیست؟

■ محمد مهدی رشادتی

امـــام باقر(ع) فرمـــود: الکمال کل الکمـــال: التفقه فی‌الدین و الصبر علی النائبه و تقدیر المعیشـــه. کمال حقیقی انســـان عبارتند از: فهم در دین (دین‌شناسی)، صبر و بردبـــاری در برابر ناگواریها، اندازه‌گیری زندگی. (تحف العقول ص ۳۰۱)

منظـــور از دین همـــه معارف اســـلامی اعم از اعتقادات و اخلاقیات و احکام عملی است و نه فقط خصوص احکام فقهی که فقها از آن بحث می‌کنند (المیـــزان ج ۹ ص ۵۵۰) تفقـــه در دین یعنی فهم عمیق و تفصیلی و اجتهادی نسبت به همه معارف دینی اســـت. بنابراین دانستن ســـطحی و اجمالی و تقلیدی را هر چقدر هم که گســـترده باشد، تفقه در دین و دین‌شناســـی نمی‌گویند. تقدیر معیشت یعنی اندازه‌گیری میزان دخل و خرج، مدیریت زندگی در امور مالی و اقتصادی، مدیریت درآمدها و هزینه‌ها، کنترل و نظارت صحیح زندگی در عرصه‌های تولید، مصرف، خریـــد، بدهی‌ها و طلب‌ها، تنظیم روابط صحیح برای انفاق، احسان، پرداخت خمس و زکات و صدقه و... .

در انفاق و احسان نیز باید حد و اندازه را رعایت کرد، تا از یک طرف آفت بخل دامنگیر آدمی نشود و از طرفی نباید اســـراف و زیاده‌روی کرد تا آفت نداری و فقر دامن انسان را بگیرد. (اسراء/۲۹) سعادت و کمال حقیقی انسان در گرو معرفت دینی و مدیریت درســـت زندگی است. اما در ایـــن میان موتور محرکه این چنین کمالی بطور قطع عامل تأثیرگذار «صبر و مقاومت و بردباری» اســـت. همه مدارج و کمالات دنیایی و آخرتی، مادی و معنوی، تنها در سایه صبوری و تحمل مشکلات حاصل می‌شود. به فرمایش علی(ع): «صبر ضامن پیروزی است. صبر پیشه کنید تا به موفقیت نایل شوید.» (غررالحکم ج ۱ ص ۶۰۶ - ۶۰۹)

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند
بر اثر صبر نوبت ظفر آید
صبر تلخ آمد و لیکن عاقبت
میوه شیرین دهد پر منفعت

امام باقر(ع) در اهمیت فقیه فرمود: وجود یک فقیه در دین، از وجود هزار عابد برای شیطان سخت‌تر است. مردی از امام باقر(ع) مسأله‌ای پرسید. حضرت پاسخ او را داد. مرد گفت فقها این را نمی‌گویند. امام فرمود: وای بر تو، آیا هرگز فقیهی دیده‌ای؟ فقیه حقیقی کسی است که به دنیا بی‌اعتنا و به آخرت راغب باشـــد و به ســـنت پیامبر(ص)، چنگ بزند. (میزان الحکمه ج ۲ ص ۸۱۵).

اهمیت مجلس علم

شـــهید مطهری می‌گویند: رســـول اکرم(ص) وارد مسجد مدینه شد. دو گروه را جدای از هم دید. دسته‌ای مشغول عبادت و دسته دیگر مشغول مباحثه علمی بودند. حضرت از دیدن آنها خرسند شد. به اطرافیانش فرمود: ایـــن دو گروه کار نیک می‌کنند و بر خیر و ســـعادتند، لیکن من برای تعلیم و دانا کردن فرســـتاده شـــده‌ام. ســـپس خودش به طرف همان دسته که به کار تعلیم و تعلم و مباحث علمی اشـــتغال داشتند رفت و در حلقه آنها نشست. (داستان راستان ص ۲۵)

مرحوم آیت‌الله میرسید علی نجف‌آبادی استاد بانو مجتهـــده امین اصفهانی نقل می‌کنند: روزی شـــنیدم فرزند بانو امین فوت کرده اســـت. فکر کردم ایشـــان درس را تعطیل خواهـــد کرد. ولی برعکس دو روز بعد دیدم خدمتکار ایشان به سراغ من آمد و از من خواست کـــه برای تدریس به منزل او بروم و من از علاقه وی به تحصیل، سخت حیرت کردم و وقتی رفتم با کمال تعجب او را آماده‌تر از همیشه دیدم. امام صادق(ع) فرمود: کسی که شـــبی را با حالت بیماری به سر آورد و آن را برخود بپذیرد و شکر آن را بجا آورد، ثواب شصت سال عبادت برای اوست. پرسیدند: پذیرفتن آن چگونه است؟ فرمود: بر آن صبر کند و درد خود را به کســـی اظهار نمی‌کند و چون بامداد شـــود، خدا را در آنچه بر او گذشته است سپاس می‌گوید. رسول‌خدا(ص) فرمود: شخصی که سه روز بیمار شـــود و نزد عیادت کنندگان شکایتی نکند، گوشـــتش را به گوشتی بهتر و خونش را به خونی بهتر تبدیل می‌کنم. اگر به او بهبودی بخشم در حالی است که هیچ گناهی بر او نیست و اگر او را بمیرانم مشمول رحمت من خواهد شـــد (هـــزار و یک حکایت اخلاقی ص ۲۴۷ - ۲۴۹).

علم نجات بخش در نزد اهل بیت(ع)

علم آن چیزی است که انسان را در مســـیر کمال یاری رساند و زمینه خدایی شدن انسان را فراهم آورده و او را در جایگاه خلافت الهی قـــرار دهد.(بقره، آیات ۳۰ و ۳۱ و ۱۳۸؛ آل عمران، آیه ۷۹)

چنین علمـــی هر چند که در قرآن است، ولی بدون تبیین‌گری و تفســـیر گـــری پیامبـــر(ص) و اهل‌بیت(ع) به دســـت نمی آید؛ چنانکـــه پیامبـــر(ص) در حدیث ثقلین به این مطلب قرآنی اشاره دارد که در آیات گوناگون از جمله آیات ۴۴ و ۶۴ سوره نحل و آیه ۵۹ سوره نساء و مانند آن آمده است.

ایـــن در حالی اســـت که در صدساله اول تاریخ اسلام در میان اهل سنت نگارش و تدوین و ضبط حدیث پیامبر(ص) ممنوع شد و احادیث آنان با مشکل جدی مواجه گردید. اما اهـــل بیت(ع) نه تنها حافـــظ و ضابط حدیث بلکه خود ، وارث علوم پیامبـــر(ص) بودند. از این روگفته شـــده هر چه علم نجات بخش و نســـخه شفابخش است در خانه اهل بیت(ع) است که خداوند آن را عزیز داشته و کرامت و شـــرافت بخشیده اســـت.(نور، آیه ۳۶)

البته انســـان عاقـــل از پنجره وارد خانه نمی شود بلکه ازدرهای آن وارد خانه می شـــود که همان اهل‌بیت (ع) هستند: وَأْتُواْ الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا.(بقره، آیه ۱۸۹)

بـــه هر حـــال، هر چـــه علم خیر و مفید و ســـازنده انســـان و انسانیت است در خانه پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) و نزد آنان اســـت؛ چنانکه امام باقر(ع) به ســـَلَمَةَ بْنِ کُهَیْـــلٍ وَ الْحَکَمِ بْـــنِ عُتَیْبَةَ می فرماید: شَرِّقَا وَ غَرِّبَا فَلاَ تَجِدَانِ عِلْماً صَحِیحاً إِلاَّ شَـــیْئاً خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَیْتِ ؛ به هر ســـوی عالم از شرق و غرب می خواهید بروید ؛ اما علم درست را جز در چیزی که از نزد ما اهل بیت (ع) خارج شده نمی یابیـــد. (اصول کافی، ترجمه کمره ای، ج ۳، ص ۱۲۳).

شگفت اینکه کاری کردند که اولا در خانه اهل بیت(ع) را بستند و آنان را از مرجعیت علمی و عملی و رهبری جامعه دور کردند و ثانیا بدتـــر از آن ، امـــروز در حوزه ها هم برخی علـــم را در جایی دیگر می‌جویند و به جای قال الصادق(ع) و قال الباقـــر (ع) می گویند قال ارســـطو، قال دکارت ، قال فلان روان شناس، فلان جامعه شناس و فلان فیلسوف .

آیا قرآن کتابی مردانه است؟!

■ احمد رضا دردشتی

مقاله حاضر پاسخی است به این شبهه که چرا خطاب‌های قرآن بیشـــتر به لفظ مردانه است و آیا این به معنی برتری مردان بر زنان اســـت یا علت دیگری دارد؟

***

قرآن، آخرین پیام آســـمانی خداوند برای انسان‌هاســـت که با زبان عربی روشن و فصیح بر قلب پیامبر رحمت محمدمصطفی(ص) نازل شده است؛ برپایه ادله متقن عقلی و دینی، رسالت پیامبر اسلام، رســـالتی فرازمانی و فرامکانی[1] است و او آخرین پیام‌آور خداوند[2] برای بشـــریت تـــا برپایی قیامت کبراست؛ اما مخاطبان اولیه رسالت او کـــه بطور طبیعـــی باید حامل پیام او به دیگر مردمان باشند[3]، اعراب شبه‌جزیره عربستان بودند و ضرورتـــا باید پیـــام او را درک می‌کردند تـــا بتوانند تبلیغ‌گر آن باشند؛ از این رو قرآن با زبان عربی فصیح نازل شد و قاعدتا می‌بایست تمام الزامات و قواعد زبان عربی را رعایت کند تا مخاطبان نخست او محتـــوای پیامش را بفهمند و آن را بـــه دیگران منتقل کنند؛ توجه بـــه این نکته مهم و کلیدی علاوه بر اینکه ما را در فهم بهتر مقاصد قرآن یـــاری می‌کند، موجب رفع برخی سوءفهم‌ها در برداشت از آن می‌شود؛ یکی از این سوءفهم‌ها این است که از سبک بیانی ادبی قرآن، که امری اعتباری و قراردادی است، نتایج الهیاتی، فلســـفی و اخلاقی بگیریم! کاری که در شبهه حاضر روی داده است.

چکیده شبهه این است که در قرآن کریم، همه جا، مردان بر زنان برتری داده شده‌اند؛ در بسیاری از آیات، حتی روی ســـخن با مردان است و گویی زنان وجود یا ارزش مخاطب بودن را ندارند! حتی در جایی که بر فرض، مخاطب، همه زنان و مردان هســـتند، از افعال و کلمات مختص مردان اســـتفاده شده است؛ آیا این به معنای فروتر بودن زنان در ذهن و زبان آورنده قرآن نیست؟!

در پاسخ باید گفت برای کسی که با ادبیات عرب و مختصات زبان عربی آشنا نیســـت، ممکن است پرسش‌ها و ابهام‌های گوناگونی در ارتباط با سبک بیانی قرآن ایجاد شـــود؛ این ابهام‌ها گاهی موجب شـــبهات بنیادی‌تـــری در عرصه هستی‌شناســـی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناســـی و معرفت‌شناسی اسلام می‌شود؛ طبیعتا آشنا شدن با سبک بیانی قرآن، که همان سبک بیانی عرب فصیح و اصیل است، بر بسیاری از برداشت‌های نادرست از آیات قرآن و احیانا پندارهای باطلی که به این کتاب آســـمانی نسبت داده شده و می‌شود، خط بطلان می‌کشد؛ بدون شک، قرآن کریم در قالب زبان عربی نازل شده و ممکن نیست که از چارچوب‌های شناخته شـــده و اصیل عرب زبانان، خارج شود و باید به ملزومات و مختصات این زبان وفادار بماند تا مخاطبانش بتواننـــد به مقاصـــد او راه‌یابند و از مواقـــع، دســـتاویز بدخواهان و کج‌اندیشـــان برای نکوهش اسلام و معرفی آن بـــه عنوان یک دین زن‌ســـتیز و نامهربـــان با جنس زن، می‌شود، این است که ظاهرا خطابات قرآن در بسیاری از موارد، متوجه مردان است و گویی اصلا زنان را به حســـاب نیاورده و برای آنها ارزشی قائل نشده است و زنان را طفیل وجود مردان در نظر گرفته است! استفاده مکرر قرآن از ضمایر و کلمات مخصوص مذکر به عنوان یکی از دلایل برجسته بر این مدعا بیان شده است؛ مثلا گفته‌اند: در هیچ کجا خطاب «یا ایتها اللاتی آمنـــن» نیامده اســـت و همه جا گفته شده: «یا ایها الذین آمنوا»؛ یا در جریان بازگویی قصه حضرت مریم(س) در ســـوره تحریم آمده است: «وَصَدّقَتْ بِکَلِمَاتِ رَبّهَا وَکُتُبِهِ وَکَانَتْ مِـــنَ الْقَانِتِینَ»؛[4] کلمات و کتاب‌های پروردگارش را تصدیق کرد و از فرمانبـــرداران (خداوند) بود» و این در حالی است که باید گفته می‌شد: وَ کَانَتْ مِنَ القانِتات! و نظایر بی‌شمار دیگر...

*** قرآن با زبان عربی فصیح نازل شد و قاعدتا می‌بایست تمام الزامات و قواعد زبان عربی را رعایت کند تا مخاطبان نخست او محتوای پیامش را بفهمند و آن را به دیگران منتقل کنند؛ توجه به این نکته مهم و کلیدی علاوه بر اینکه ما را در فهم بهتر مقاصد قرآن یاری می‌کند، موجب رفع برخی سوءفهم‌ها در برداشت از آن می‌شود.**

***طبق قواعد فرهنگ زبان عرب و برخی از زبان‌های دیگر، آنجا که مخاطب هم زنان و هم مردان هستند، از ضمایر، اسم اشاره‌ها و افعال مذکر استفاده می‌شود و این شیوه، صرفا جنبه اعتباری دارد نه جنبه حقیقی و ارزشی.**

قرآن، سخنی عربی و فصیح

چنانکه گفتیم این برداشـــت ناصحیـــح از ظواهر قرآن ناشـــی از ناآشـــنا بودن با مختصات زبان عربی اســـت؛ در زبان عربی وقتی بخواه